



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹

الزام حکومتی حجاب گردشگران و مأمورین خارجی شاغل در ایران با تأکید بر قاعده مصلحت

مجید نیلی^۱، محمدجواد باقی زاده^{۲*}، بهنام یوسفیان شوردهی^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا، دانشکده الهیات، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.
۲. استادیار گروه فقه و حقوق، دانشکده الهیات، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.
۳. استادیار گروه جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حفظ پوشش، یکی از دغدغه‌های جمهوری اسلامی ایران است. در همین راستا، مسأله بی‌حجابی جهانگردان و دیپلمات‌ها و مأمورین سیاسی خارجی در ایران، از موضوعات چالشی است که نیازمند بررسی است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر، بررسی الزام حکومتی حجاب گردشگران و مأمورین خارجی شاغل در ایران با تأکید بر قاعده مصلحت است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر، توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد ادله امر به معروف و نهی از منکر، ادله ناظر به تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر حکم حرمت تظاهر به منکرات می‌تواند به عنوان مبنای فقهی الزام غیر مسلمانان اعم از ساکن و جهانگرد شمرده شود؛ و بیانگر مسؤلیت دولت اسلامی است. علاوه بر آنکه از منظر حقوقی، حکم مستفاد از قانون هر کشور جهانگردان را موظف به عمل طبق آن کرده؛ و در صورت عدم عمل به آن، سوگندنامه خود را شکسته و در صورت ورود به کشور، حکومت حق الزام وی را دارد.

نتیجه: نتیجه اینکه حاکم اسلامی با توجه به مناسبات مصالح و مفاسد واقعی متخذ از آیات و روایات و منابع فقهی، می‌تواند با دریافت عقلی و با استفاده از قاعده مصلحت، در جلوگیری از مفاسد گسترش بی‌حجابی از سوی گردشگران و مأمورین خارجی شاغل در ایران مبادرت به صدور حکم حکومتی نموده و آنان را به پوشش اسلامی الزام نماید.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۵۱-۱۷۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۵

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۱۲/۲۹

واژگان کلیدی:

گردشگران، مأمورین خارجی، احکام حکومتی، مصلحت، پیمان‌های بین‌المللی.

نویسنده مسؤول:

محمد جواد باقی‌زاده

آدرس پستی:

ایران، دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، گروه فقه و حقوق.

تلفن:

09102042038

کد ارکید:

0000-0002-5282-9465

پست الکترونیک:

baqizadeh@gmail.com

۱. مقدمه

صنعت گردشگری رشد سریعی در توسعه اقتصاد جهان داشته است. در میان مسائل مختلف گردشگری و عوامل آسیب زا به این صنعت، این دیدگاه مطرح است که اجبار گردشگران به حجاب شرعی، سبب نارضایتی و کاهش گردشگر شده است. در همین حال امروزه روابط بین دولت‌ها و شرکت‌ها در پیمان‌های بین‌المللی جزء لاینفک عرف بین‌الملل گردیده است و حمایت و حفاظت از مأمورین و سفرای کشورهای دیگر در کشور میزبان و پذیرنده در برخی قوانین بین‌المللی و کنوانسیون‌ها گنجانده شده است. اصول عدم تعرض و دارا بودن از مصونیت کیفری از جرم‌انگاری داخلی کشور میزبان از مواردی است که دولت‌ها در روابط خود با دولت دیگر بر این اصول تأکید می‌ورزند. کنوانسیون وین مصوب ۱۹۶۱ که روابط بین‌المللی مأمورین سیاسی و کنسولی را بین دولت‌های بین‌المللی تنظیم نموده است؛ در محتوای خود بر این اصول پافشاری نموده است. از سوی دیگر برخی اوقات سفرا و کارداران خارجی در مسأله حجاب تعمداً یا اشتباهاً دچار لغزش می‌شوند و احترام به هنجارهای دینی و اسلامی در کشور ما رعایت نمی‌کنند. این مسئله دستمایه نگارش مقاله حاضر شده است. آنچه بررسی این مسئله را به یک مسئله ضروری و مهم تبدیل کرده این است که بحث حجاب شهروندان ایرانی نیز به یک موضوع مهم و چالش برانگیزه تبدیل شده است.

در خصوص حجاب و وظایف حکومت در این خصوص، همچنین مصلحت، پژوهش‌های متعددی انجام شده است: فاطمه فلاح تفتی در مقاله‌ای از یک طرف در مورد صنعت گردشگری و نیاز کشور بدین موضوع برای تقویت بنیه اقتصادی و توسعه

کشور اشاره نموده و از طرفی دیگر، معتقد است باید گردشگران را به رعایت پوشش به دلیل سوگندنامه‌ای که یاد کرده‌اند، ملزم ساخت. وی با اشاره به ادله الزام از جمله اطلاقات امر به معروف و نهی از منکر و ملاکات احکام حکومت اسلامی را در برخورد با جهانگردان محق می‌داند (فلاح تفتی، ۱۳۹۶، ۴۴۱-۴۶۴) شهرام حسن پور در مقاله‌ای تحت عنوان «مفهوم مصلحت و جایگاه آن در نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران» با بررسی مصالح و مفاسد شرعی، احکام را به احکام اولی، ثانوی و حکومتی تقسیم و تفاوت آن‌ها را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد احکام حکومتی، احکام موقتی و برحسب ضرورت به مصلحت نوعی از طرف حاکم اسلامی اتخاذ می‌گردد (حسن پور، ۱۳۷۷). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام شده این است که در این مقاله، الزام حکومتی حجاب گردشگران و مأمورین خارجی شاغل در ایران با تأکید بر قاعده مصلحت بررسی می‌شود. هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که چگونه دولت اسلامی ما با توجه به حمایت‌های گسترده بین‌المللی می‌تواند این‌گونه افراد را به پوشش اسلامی الزام نماید؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا آرای فقهاء در مورد مشروعیت الزام به احکام الهی بررسی شده و در ادامه از حقوق گردشگران و مأمورین خارجی در ایران از نظر منظر اسناد بین‌المللی و بررسی و تحلیل احکام حکومتی و قاعده‌ی مصلحت در الزام گردشگران و مأمورین خارجی شاغل در ایران بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر، توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

ادله امر به معروف و نهی از منکر، ادله ناظر به تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر حکم حرمت تظاهر به منکرات می‌تواند به عنوان مبنای فقهی الزام غیر مسلمانان اعم از ساکن و جهانگرد شمرده شود و بیانگر مسؤولیت دولت اسلامی است. علاوه بر آنکه از منظر حقوقی، حکم مستفاد از قانون هر کشور جهانگردان را موظف به عمل طبق آن کرده و در صورت عدم عمل به آن، سوگندنامه خود را شکسته و در صورت ورود به کشور، حکومت حق الزام وی را دارد.

۵. بحث

مسأله مشروعیت الزام به احکام اجتماعی اسلام مانند حجاب، امروزه موضوع محافل علمی و فرهنگی کشور است. عده‌ای موافق الزام هستند. قاعده مکلف بودن کافران به فروع دینی بمنی این الزام است. مکلف بودن کفار به فروع دین یعنی کافران نیز مانند مسلمانان در مقابل احکام دینی تکلیف دارند؛ برخی برای وجوب پوشش زنان کافر به این قاعده تمسک کرده‌اند و طبق این قاعده حکمت اسلامی را موظف به الزام گردشگران به رعایت حجاب کردند این قاعده از قواعد مشهور بین فقها است که مستندات آن آیات و روایات می‌باشند؛ و برخی دیگر از نواندیشان حوزه علوم

دینی، الزام به چنین امری را غیرمشروع می‌دانند؛ زیرا اعتقاد دارند که در دین اکراه و اجباری نیست. در ابتدا لازم است نظریه فقه اسلامی را در این باره جویا شد. از آنجایی که این موضوع، ریشه روایی دارد در کتب و آرای فقهیانی همچون شیخ مفید و شیخ طوسی، ابن زهره، ابن ادریس به صورت پراکنده مطرح شده است؛ اما اولین فقهی که موضوع مشروعیت الزام در احکام الهی را به صورت مستقلاً مطرح نموده است؛ مرحوم «محقق حلی» صاحب کتاب «شرایع الاسلام» است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ۱۹۵). فقهای دیگر در باب حدود و تعزیرات کتب خود برای ارتکاب فعل حرام، مجازات تعزیر را قائل شده‌اند؛ «کل من فعل محرماً أو ترک واجباً فللامام تعزیره بما لا یبلغ الحدّ و تقدیره الی الامام؛ هرکسی که فعل حرامی را مرتکب شود یا واجبی را ترک نماید، امام می‌تواند او را تعزیر نماید» (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ۵۴۸؛ فخر المحققین، ۱۳۸۷، ج ۴، ۵۰۸؛ جبعی عاملی (شهیید ثانی)، ۱۴۱۳، ج ۱۴، ۴۵۷). بحث اصلی مقاله به بررسی الزام حکومتی حجاب گردشگران و مأمورین خارجی شاغل در ایران با تأکید بر قاعده مصلحت اختصاص دارد.

۵-۱. آرای فقهاء در مورد مشروعیت الزام به

احکام الهی

در این قسمت به بررسی آرای فقهاء در مورد مشروعیت الزام به احکام الهی پرداخته می‌شود.

۵-۱-۱. مشروعیت تعزیر بر نوعی از محرمات

شیخ مفید متوفی ۴۱۳ ق می‌فرماید: «اگر شخصی به مسلمانی بگوید تو پستی، تو خسیسی، و یا تو پلیدی و امثال اینها چنین گفته‌ای مورد تأدیب و تعزیر است» (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۷۹۶) و یا هر سخنی که مورد اذیت مسلمانان می‌شود و کمتر از

در نزد این فقیه عالی رتبه، عمومیت معصیت، هم گناهان شخصی را شامل می‌شود و هم گناهان اجتماعی را. همانگونه که بر ترک نماز از سوی مقررات کیفری اسلام تعزیر می‌شود.

ابن ادریس دیدگاه شیخ طوسی را تأیید می‌کند و در سرائر می‌گوید: «اگر حرامی را مسلمانی تناول کند و آن حرام مرده یا گوشت خوک یا خون باشد، آن کس مستحق تعزیر است» (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۳، ۴۸۷).

نامبرده در جایی دیگر، مراعات مصلحت مکلفین را از ناحیه حاکم لازم می‌داند و می‌بایست بر هر فعل قبیح یا ترک واجب به مقداری که مصلحت می‌داند، تعزیر کند (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۳، ۵۳۶).

۵-۲. دلایل فقهی مشروعیت الزام به احکام الهی

چه آن دسته از فقهای که مشروعیت الزام بر ترک گناهان کبیره را می‌پذیرند؛ و چه آنانی که مشروعیت الزام به ارتکاب هر فعل محرم یا ترک واجب را قبول دارند برای توجیه‌پذیری تعزیر، دلایلی را ذکر کرده‌اند:

۵-۲-۱. ادله امر به معروف و نهی از منکر برای مشروعیت الزام به احکام الهی

با توجه به اطلاق ادله امر به معروف می‌توان اصل الزام کفار به حجاب شرعی را برداشت کرد. صاحب عناوین الفقهیه برای اثبات تعزیر برای هر معصیتی که در شریعت اسلام، حدی برای آن نیست به ادله امر به معروف و نهی از منکر استناد می‌کند.

«الوجه فیه دل عموم ما دل علی النهی عن المنکر والامر بالمعروف» (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۳۲۷). امر به معروف و نهی از منکر برای بازداشتن از اعمال ناپسند و حرام بر همگان از جمله حاکم اسلامی

قذف به زنا یا لواط باشد، مجازاتش تعزیر است با صلاحدید حاکم اسلامی (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۷۹۸).

شهید در مسالک الافهام می‌گوید: «کل من فعل محرماً أو ترک واجباً فللامام تعزیره بما لا یبلغ الحدّ و تقدیره الی الامام؛ هرکسی که فعل حرامی را مرتکب شود یا واجبی را ترک نماید، امام می‌تواند او را تعزیر نماید» ضابطه‌ی کلی در سبب تعزیر است و انواع سبب و قذف و غیر آن که از دایره حد بیرون هستند را در بر می‌گیرد» (جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳، ج ۹، ۱۷۵).

نتیجه اینکه الزام به احکام الهی امور اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد.

۵-۱-۲. مشروعیت تعزیر بر هر فعل حرام یا هر ترک واجب

شیخ طوسی در کتاب مبسوط چنین می‌فرماید: «هر کسی معصیتی انجام دهد که موجب حد نباشد، تعزیر می‌شود مانند سرقت به اندازه نصاب از مکانی حرز شمرده نمی‌شود» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ۶۹). ایشان در کتاب دیگر خود اشاره دارد که خورنده ماهی و حیوانات منع شده دریا یا درندگان و پرندگان درنده و خورندگان همه خوراکی‌های حرام تعزیر می‌شوند و اگر کسی برای بار دوم تکرار کند، او را باید تأدیب کرد» (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ۷۱۴). نامبرده حتی با نقل روایتی از امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) امکان تعزیر برابر مباحی را میسر می‌داند. روایت چنین است: «اگر کسی به دیگری بگوید شب در خواب با مادرت زنا کردم تعزیر می‌شود» (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ۷۱۴).

از عبارات شیخ طوسی واضح است که واژه گناه و یا معصیتی که در کتاب مبسوط به کار رفته، فعل حرام و ترک واجب را شامل می‌شود. از سوی دیگر اطلاق معصیت گناه صغیره را نیز در برمی‌گیرد و

هم زدن نظم عمومی جامعه نباید از ناحیه حاکم به دور بماند.

۵-۲-۴. بنای عقلا

اجبار به احکام الهی توسط بنای عقلای عالم، بدیهی به نظر می‌رسد چرا که هر چیزی که عقل براساس مصلحت تشخیص می‌دهد؛ شارع نیز بدان حکم می‌کند (البوطی، ۱۴۱۲، ۲۷).

یافته‌های این قسمت نشان می‌دهد؛ الزام به احکام الهی به اتفاق فقیهان مشروعیت دارد و بین اثبات الزام و مشروعیت ملازمه‌ای تضمینی و التزامی و عرفی است و از عموم روایات برای حاکم اسلامی این اختیار استخراج می‌شود که بر ناقضین احکام الهی تعزیر مقرر دارد.

۵-۳. حقوق گردشگران و مأمورین خارجی

در ایران از نظر منظر اسناد بین‌المللی

در این قسمت به بررسی حقوق گردشگران و مأمورین خارجی در ایران از نظر منظر اسناد بین‌المللی پرداخته می‌شود.

۵-۳-۱. حقوق گردشگران در اسناد بین

المللی

با توجه به تقسیم‌بندی اهل کتاب و حقوق اقلیت‌ها در اسلام، باید دید گردشگران جزء کدام گروه از تقسیم‌بندی‌های کفار هستند و از چه حقوقی برخوردارند.

با توجه به تعریفی که از کافر معاهد و مستأمن شد؛ واضح است که گردشگران و جهانگردان که وارد کشور اسلامی می‌شوند براساس پیمان‌های بین‌المللی جهانگردی و مبانی فقهی کافر معاهد بوده و از تعرض و تجاوز از سوی مسلمانان مصون هستند و دولت اسلامی می‌تواند با توجه به قوانین داخلی خود با آنان اجازه‌ی ورود به کشور دهد؛ چرا که در ماده ۱ و ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر که مهمترین

لازم است و یکی از راه‌های آن مجازات تعزیری است.

۵-۲-۲. استناد به احادیث ائمه معصومین

(س) برای مشروعیت الزام به احکام الهی

موثقه سماعه از امام صادق (ع) که نقل می‌کند که حضرت فرمود: «ان لكل شیءٍ حداً و من تعدی ذلک الحد کان له حد؛ برای هر چیزی اندازه‌ای است و کسی که از این اندازه تجاوز کند باید مجازات شود» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۴، ۹). البته فقیهانی مانند آیت‌الله گلپایگانی استدلال فوق را قبول ندارند (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ۲۹۶).

در ابواب مختلف روایی به روایاتی از امیرالمؤمنین (ع) بر می‌خوریم که حضرت، بر افعال حرام بلکه قبیح هم تعزیر می‌کرده است و فعل معصوم دلیل مشروعیت الزام بر ترک گناه و انجام فرامین الهی بوده است و حتی برخی از فقها استقرار سیره پیامبر (ص) و حضرت امیرالمؤمنین (ع) را بر این امر ثابت دانسته‌اند (منتظری، ۱۴۱۷، ۳۰۱).

۵-۲-۳. حفظ انتظام و مصالح و غبطه جامعه

اسلامی

دین اسلام بر حفظ نظم و انتظام جامعه دینی اهمیتی خاص قائل است؛ بنابراین، بر نقض کنندگان انتظام مادی و معنوی جامعه دینی، تعزیر و مجازات توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد (موسوی خویی، ۱۴۲۲، ۴۰۷).

شارع مقدس اسلام برای جلوگیری از هرج و مرج و سازمان دادن زندگی مردم، قوانینی بازدارنده وضع نموده است و برای آحاد افراد جامعه وظایفی را پیش‌بینی کرده است. حفظ چنین انتظامی بر پایه ترک حرام و انجام واجبات اجتماعی است و بر

قرارداد بین‌المللی درباره روابط و مزایا و مصونیت‌های نمایندگان سیاسی در بهبود مناسبات دوستانه بین کشورها هر چند بر طرز و اساس حکومت و اصول آنها تفاوتی با یکدیگر داشته باشد، موثر خواهد بود. قانون مزبور در حقوق دیپلمات‌ها و مأمورین کنسولی خارجی در کشور میزبان دو دسته از مصونیت‌ها را پذیرفته است:

۱. مصونیت از تعرض؛

۲. مصونیت قضایی.

در ماده ۴۱ این پیمان بین‌المللی آمده است: مأمورین سیاسی از تعرض (توقیف) یا در انتظار محکمه مصون شناخته شده‌اند؛ همچنین در ماده ۴۳ بند ۱ و ۲ این کنوانسیون، مأمورین سیاسی خارجی و کارمندان کنسولی از مصونیت قضایی برخوردار می‌باشند (کنوانسیون وین، ۱۹۶۱).

با بررسی و تحلیل گردشگر در ایران بر مبنای کافر معاهد و مأمورین سیاسی و کنسولی خارجی بر مبنای کافر مستأمن و براساس مبانی فقهی و پیمان‌های بین‌المللی ذکر شده مورد حمایت جهانی قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر پدیده ناهنجاری حجاب علیرغم جرم‌انگاری در ایران اگر از سوی گردشگران و مأمورین سیاسی خارجی واقع شود چگونه حکومت اسلامی می‌تواند آنان را به حجاب الزام کند و برای برون‌رفت از این چالش اجتماعی بهترین راهکار چه می‌تواند باشد؟

۴-۵. بررسی و تحلیل احکام حکومتی و قاعده‌ی مصلحت در الزام گردشگران و مأمورین خارجی شاغل در ایران

در این قسمت به بررسی و تحلیل احکام حکومتی و قاعده‌ی مصلحت در الزام گردشگران و مأمورین خارجی شاغل در ایران پرداخته می‌شود.

مبنای بین‌المللی حق گردشگر محسوب می‌شود، حق گردشگری و جهانگردی به رسمیت شناخته شده است.

ماده ۱: هرکس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور، محل اقامت خود را انتخاب کند.

ماده ۲: هرکس حق دارد هر کشوری از جمله کشور خود را ترک و یا به کشور خود باز گردد.

حق جهانگردان مورد پذیرش معاهدات بین‌المللی به قرار ذیل می‌باشد:

۱. اعلامیه مانیلا در مورد گردشگری جهانی مصوب ۱۹۸۰ میلادی (سنجری، ۱۳۸۹، ۱۸).

۲. حقوق گردشگری مصوب ۱۹۸۵ میلادی (ضرغام بروجنی؛ خسروانی دهکردی، ۱۳۹۱، ۲۹).

۳. بیانیه امان (اردن) مصوب ۲۰۰۰ میلادی

۴. کد جهانی اخلاق گردشگری مصوب ۲۰۰۱ میلادی (کلانتری، ۱۳۷۶، ۳۹).

بدین ترتیب گردشگران خارجی در ایران براساس پیمان‌های بین‌المللی و اعلامیه جهانی حقوق بشر که ایران نیز بدان ملحق شده است؛ از حقوق عدم تعرض و مصونیت قضایی برخوردار می‌باشند

۵-۳-۲. حقوق مأمورین خارجی شاغل در

ایران در اسناد بین‌المللی

قرارداد وین درباره روابط سیاسی و دیپلماتیک در ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ میلادی مطابق با ۲۹ فروردین ۱۳۴۰ در شهر وین اتریش به امضای نماینده دولت شاهنشاهی رسیده است که مشتمل بر ۵۳ ماده و ۲ پروتکل می‌باشد.

در مقدمه این پیمان بین‌المللی آمده است: دولت‌های عضو با معرفت و مقاصد و اصول مشتمل بر ملل متحد و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و توسعه روابط دوستانه بین ملت‌ها با اعتقاد بر اینکه

۵-۴-۱. بررسی و تحلیل احکام حکومتی، ملاکات و جایگاه آن در تصمیم گیری‌های حاکم اسلامی

از آنجایی که براساس مبانی ذکر شده، اهل کتاب اعم از: اهل ذمه، معاهد و مستأمن به لحاظ مبانی فقهی و پیمان‌های بین‌المللی در آزادی و مصونیت کامل به سر می‌برند و براساس احکام اولیه فقهی مصون از تعرض می‌باشند و از سوی دیگر چون در جامعه اسلامی به صورت موقت زندگی می‌کنند، ممکن است ناهنجاری‌های اجتماعی از آنها سر زده و ایجاد مفسده نماید که از این رفتارها می‌توان پدیده بی‌حجابی را از سوی گردشگران، دیپلمات‌ها، کارداران کنسولی و خانواده‌های آنان و کارمندان خارجی سفارت نام برد؛ که حاکم اسلامی نمی‌تواند با توسل به احکام اولیه آنان را تعزیر نماید؛ لذا لازم است حاکم اسلامی با توجه به دریافت عقلی خود از ملاکات احکام بر مبنای مصالح و مفسدات مسلمین بر این رفتار نابهنجار اجتماعی، نظارت و این‌گونه افراد را توبیخ یا تعزیر نماید؛ بنابراین لازم است مبانی، ملاکات و جایگاه احکام حکومتی روشن شود:

۵-۴-۱-۱. تبیین احکام حکومتی

یکی از مفاهیم و اصطلاحات نزد علمای دینی، احکام حکومتی است و آنان در کتب خود، فصل مستقلی را به این بحث اختصاص نداده‌اند؛ اما با بررسی کتب و آثار آنها می‌توان احکام حکومتی را چنین تعریف کرد. صاحب جواهر می‌نویسد: «حکم حکومتی یعنی دستور حاکم اسلامی بر نفوذ و اعتبار حکم تکلیفی یا حکم وضعی یا موضع آن دو در موارد مشخص را حکم حکومتی گویند» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۰، ۱۰۰).

علامه طباطبایی نوشته است: «احکام حکومتی، تصمیماتی هستند که ولی امر در سایه قوانین

شریعت و رعایت موافقت آنها و حسب مصلحت وقت اتخاذ می‌کند و طبق آنها مقرراتی وضع نموده و به اجرا می‌گذارد» (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۱۸۷).

«از تعاریف مرحوم صاحب جواهر و علامه طباطبایی چند نکته قابل استخراج است: ۱. فاعل احکام حکومتی، ولی امر مسلمین است و اداره نظام اسلامی را برعهده دارد. ۲. احکام حکومتی باید در چارچوب قوانین ثابت شریعت الهی باشد و ناسازگاری با آنها نداشته باشد. ۳. احکام حکومتی برخاسته از مصالح و مفسدات است که حاکم اسلام با قوه عقل خود درک می‌کند و از کمک کارشناسان نیز استفاده می‌کند. ۴. احکام حکومتی دائمی نیستند و باید تابع مصلحت و مفسده‌ای باشند که براساس آن جعل می‌شود» (نیکزاد، ۱۳۸۵، ۱۵۴). شهید اول در بیان تفاوت حکم و فتوا در کتاب القواعد و الفوائد خود می‌نویسد: «فتوا دادن فقط خبر از این است که حکم خداوند در این موضوع چگونه است، برخلاف حکم که عبارتند از: انشاء اطلاق (آزاد ساختن) یا انشاء الزام در مسائل اجتهادی که از اصول صحیح نشأت گرفته باشد» (عاملی (شهید اول)، ۱۳۹۸، ج ۱، ۳۳).

صاحب جواهر می‌نویسد: «المراد بالاولی (الفتوی) الاخبار عن الله تعالی بحکم شرعی متعلق بالکلی اعم الحکم وهو انشاء انفاذ من الحاکم لا منه تعالی لحکم شرعی او وضعی او موضوعهما فی شیء مخصوص؛ یعنی فتوا عبارتند از: اعلام حکم الهی به صورت کلی و عام وارد شده باشد اما حکم عبارتند از: انشاء قطعیت امری است از جانب حاکم نه از جانب خداوند» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲، ۴۰۳). نتیجه اینکه، هنگامی که مجتهد حکم را به صورت کلی ارائه می‌دهد، فتوا است اما زمانی که آن را به صورت خاص خود تطبیق می‌کند، حکم است.

۵-۴-۱-۲. ملاکات احکام حکومتی

از آنچه در تعریف علامه طباطبایی بر می آید، ملاکات احکام حکومتی به قرار ذیل است:

۱. تشخیص مصلحت و مفسده از جانب حاکم اسلامی: اگرچه تمام احکام اسلامی در نظر شیعه تابع مصالح و مفاصد واقعی است ولی مصالح و مفاصد در هریک از احکام سه‌گانه (اولی، ثانوی، حکومتی) یکسان نیست؛ زیرا مصلحت و مفسده در احکام اولیه در متعلق آن است. ولی در احکام حکومتی به دست حاکم شرع است که با قوه عقل خود و با استفاده از مشاوران عاقل به دست می‌آورد که فعل یا ترک فعل برای بقای اسلام لازم است یا خیر؟ مثل حکم حکومتی میرزای شیرازی در قرارداد توتون و تنباکوی انگلیس که شرب توتون و تنباکو را حرام دانست.

۲. ارتباط با جامعه و احکام حکومتی: قلمرو احکام حکومتی، جامعه اسلامی است؛ از این رو احکام حکومتی در همان محدوده است.

۳. صدور حکم از حاکم اسلامی: حکم حکومتی باید از عنوان حاکم اسلامی صادر شود؛ بنابراین چنانچه در جامعه اسلامی که در رأس آن حاکم اسلامی می‌باشد، مجتهد دیگری حکم را صادر کند، حکم حکومتی نام ندارد. صاحب جواهر می‌فرماید: «چنانچه مجتهد خود صاحب نظر باشد، حاکم اسلامی اگرچه از نظر علما در رتبه پایین‌تر از آن باشد، باید از نظر او اطاعت کنند» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۲، ۶۸۷).

در این باره امام خمینی می‌فرماید: «حکم نبی (ص) و امام (ع) و فقیه از نوع احکام سلطنتی و نظامیه است که باید از آن اطاعت نمود» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۵۰).

۵-۴-۱-۳. نقش حاکم اسلامی در صدور

احکام حکومتی

۱. حکم حکومتی و حق رهبری: از دیدگاه فقهای عظام همچون امام خمینی (ره)، حق رهبری و ولایت، جایگاه برجسته‌ای دارد. با نگاهی به آثار و کتب حضرت امام (ره) می‌توان دریافت که گذشته از دلیل نقلی و روایی که در نصب فقها در عصر غیبت عنوان ولایت فقیه جامع الشرائط در ادامه ولایت معصومین (ص) بوده و بر پایه اعتقاد خاتمیت دین اسلام شارع مقدس باید ولی و رهبری را در جامعه منصوب گرداند تا امور جامعه دینی به راحتی اداره شود.

۲. صدور اختیارات فقهای جامع الشرائط در

صدور احکام حکومتی: امام خمینی (ره) با دلایلی چند این اختیارات را ثابت کرده است:

الف) احکام و قوانین اسلام تنها با امور عبادی و روابط انسانی خلاصه نمی‌شود بلکه اسلام دارای قوانین اقتصادی، حقوقی، سیاسی و اجتماعی هم می‌شود و همه شئون اداره جامعه را در بر می‌گیرد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۴۶۰)

ب) اجرای احکام اسلامی دائمی است، بلکه الهی الابد باید اجرا شوند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۴۶۰).

ج) روایاتی دلالت دارد که خداوند، امامت و رهبری را بر پایه نظم و انسجام اداره جامعه، جعل و اعتبار بخشیده است؛ «فرض الله الایمان تطهیراً من الشرک... و الامامه نظام للأمة؛ یعنی خداوند ایمان را برای پاک کردن از شرک و امامت و رهبری را برای نظام دادن مردم و جامعه واجب گردانیده است» (فیض الاسلام اصفهانی، ۱۳۶۷، ح ۲۴۴).

صاحب جواهرالکلام در تعریف احکام حکومتی نوشته است: «دستوراتی که از طرف حاکم اسلامی صادر می‌شود و منوط بر مصلحت است». از آنجایی که اصل و مبنای جعل حاکمیت برای حاکم اسلامی چه معصوم و چه بین معصوم از طرف شارع مقرر شده است، جعل حکم حکومتی و تشخیص مصلحت نیز مورد تأیید حاکم خواهد بود (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۰، ۱۰۰).

از همین رو، احکام حکومتی علیرغم موقتی بودن خود دارای همان اعتباری هستند که احکام شرعیه اولیه اعتبار داشته و تخلف از آنها در چارچوب قوانین موضوعه دارای مجازات تعزیری خواهد بود. امام خمینی (ره) پس از انتخاب دولت موقت بعد از پیروزی انقلاب فرمود: «این دولتی که انتخاب شده است به ولایت شرعی تعیین شده است و یک حکومت شرعی است یعنی حکومتی که لازم‌الاتباع است و بر همه واجب است که از این حکومت اطاعت کنند؛ نظیر اینکه مالک اشتر را حضرت علی (ع) فرستاد جایی و منسوبش کرد و حاکم لازم‌الاتباع بود یعنی حاکم شرعی بود» (موسوی خمینی، ۱۳۸۳، ج ۵، ۳۴).

۵-۴-۱-۵. نمونه‌هایی از احکام حکومتی بر پایه مصلحت برای استفاده بر الزام به حجاب گردشگران و مأمورین خارجی شاغل در ایران
الف) نمونه‌هایی از احکام حکومتی در قرآن

در قرآن کریم، احکام حکومتی فراوانی به چشم می‌خورد که بیانگر اختیار انشاء حکم حکومتی از طرف پیامبر (ص) و انبیاء پیشین بوده است:

۱. «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا؛ به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر این که در اختلافات خود، تو را

د) حکومت اسلامی برای اجرای قوانین و مقررات خود نیاز به فقیهی دارد که دارای قوه تدبیر، فقاقت و عدالت باشد.

حکومت اسلامی وظیفه دارد با این افراد که به صورت موقت در ایران مقیم هستند نیز برخورد کند. اما مبنای فقهی اولیه از آیات و روایات در حقوق اقلیت دینی اجازه این کار را به او نمی‌دهد. به نظر می‌رسد، می‌بایست حاکم اسلامی از احکام حکومتی به لحاظ ضرورت و استفاده از قاعده مصلحت، ابتکار عمل را برای برون‌رفت از این معضل اجتماعی استفاده نماید.

برای تبیین جایگاه احکام حکومتی، ابتدا باید انواع احکام شرعیه را بررسی و تفاوت‌های آنها را با احکام حکومتی بیان نماییم:

۵-۴-۱-۴. جایگاه احکام حکومتی در احکام

الهی

۱. تبیین مصالح عمومی احکام اولیه شرعیه، برعهده شارع است اما تبیین در احکام حکومتی و تشخیص مصلحت برعهده حاکم شرعی می‌باشد.

۲. احکام شرعیه با وجود موضوع، دائمی و تغییرناپذیرند اما احکام حکومتی موقتی و تابع مصلحت هستند که باعث جعل آنها می‌شوند.

۳. موضوعات احکام حکومتی تابع مسائل اجتماعی است اما احکام شرعیه، مسائل تکلیفیه فردی را شامل می‌شوند.

۴. احکام حکومتی را حاکم اسلامی وضع می‌کند اما احکام شرعیه را شارع مقدس صادر می‌نماید.

۵. در احکام شرعیه، هر فقیهی به نظر خویش عمل می‌کند اما تبعیت از احکام حکومتی حتی بر فقیهان هم عصر با حاکم اسلامی، واجب است (صدر، ۱۴۰۳، ۱۶).

به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملاً تسلیم باشند» (نساء / ۶۵).

۲. «إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ آن مؤمنانند که چون به سوی حکم خدا و رسول‌شان بخوانند تا (رسول به حکم خدا) میان آنها حکم کند (از دل و جان) خواهند گفت که شنیده و اطاعت می‌کنیم؛ و رستگاران عالم، به حقیقت اینها هستند» (نور / ۵۱)

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا؛ ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید، پس اگر در چیزی، کار به نزاع کشد آن را به حکم خدا و رسول بازگردانید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و خوش‌عاقبت‌تر خواهد بود» (نساء / ۵۹).

شیخ انصاری در این زمینه می‌نویسد: «الظاهر من هذا العنوان عرفاً من يجب الرجوع اليه في الامور العامة التي لم تحمل في الشرع على شخص خاص؛ از نظر عرف، ظاهراً از کلمه اولی‌الامر کسی است که در امورات اجتماعی، مسئولیت، متوجه کسی نیست جز او» (انصاری، ۱۳۹۳، ۱۵۳).

کاربرد کلمه (اطیعوا) و تکرار او نیز نشان از اطاعت مومنان در احکام ولایی و حکومتی دارند و به تعبیر امام خمینی (ره) «المراد بهما بطاعتها في الاحكام الهية، ضرورتاً ان اطاعة الاوامر الهية اطاعة الله لا اطاعتها فلو صلي قاصد اطاعت رسول الله (ص) او الامام، بطلت الصلاة؛ یعنی منظور از اطاعت پیامبر و امام، اطاعت از آنها در احکام الهی نیست؛ زیرا در

این صورت اطاعت خداوند خواهد بود نه اطاعت ایشان و اگر اطاعت احکام الهی، اطاعت رسول یا امام باشد، لازمه‌اش این است که اگر کسی به قصد اطاعت رسول (ص) نماز بخواند، نمازش صحیح باشد و حال اینکه نمازش باطل است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۴۷۷).

(ب) نمونه‌هایی از احکام حکومتی پیامبر (ص)

۱. پیامبر (ص) در فتح مکه، به چهار نفر از مسلمانان به نام‌های عبدالله بن سعد، حویرث بن فضیل، ابن خطل مغبث و یکی دیگر دستور داد و نیز حکم داد به کشتن دو کنیزک آوازه‌خوان که با غنای خویش به نبی مکرم اسلام (ص) اهانت می‌کردند و فرمودند آنها را بکشید اگرچه به پرده‌های خانه کعبه آویزان باشند.

۲. دستور به تبعید حکم ابن ابی العاص؛ در سفینه البحار آمده است: «حکم ابن ابی العاص ابن امیه طرید رسول الله (ص) هو الذی کان یحکی مشیة النبی (ص) فطرده النبی؛ حکم ابی العاص به خاطر این بود که او، راه رفتن رسول اسلام (ص) را تقلید می‌کرد و پیامبر او را تبعید کردند» (قمی، ۱۳۴۴، ج ۲، ۴۸۳).

۳. نهی از بازماندن از لشکر اسامه؛ اسامه یکی از جوانان شایسته‌ای است که پیامبر (ص) در اواخر عمر خویش او را به جهاد فراخواند و فرمان داد که همگی باید به لشکر او الحاق و رهسپار مبارزه با دشمن شوند؛ و کسانی که ملحق به آن لشکر نمی‌شود را لعنت نمود.

۴. حکم به قطع درختان خرماي بنی‌النضیر: حکم اولیه اسلام، ممنوعیت قطع درختان است و یکی از دستوراتی که رسول اکرم (ص) برای امرا و فرماندهان خود داشتند، این بود که درختان آنان را قطع نکنید؛ اما رسول اکرم (ص) در جنگ با

شوال بر همگان واجب است، که از حاکم اسلامی تبعیت کنند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ۳۵۹).

۲. حکم به ارتداد و قتل سلمان رشدی، نویسنده کتاب آیات شیطانی از سوی امام خمینی (ره) که حکم حکومتی داد که کشنده او ان شاءالله شهید است تا کسی جرئت نکند، بر مقدمات اسلام و مسلمین توهین نماید.

در پایان، با توجه به مبانی احکام حکومتی و مصلحت و ضوابط صدور آن از ناحیه حاکم اسلامی (ولی فقیه)، به نظر می‌رسد، با توجه با مصونیت گردشگران و مأمورین خارجی شاغل در ایران، در احکام اولیه اسلام و حفظ آزادی‌های آنان در جامعه اسلامی بتوان با احکام حکومتی صادره از ناحیه حاکم اسلامی از ناهنجاری‌های عمومی آنان، از جمله بی‌حجابی که باعث رنجش خاطر و سلب آسایش مؤمنین شده است، جلوگیری کرد و آنان را به رعایت پوشش اسلامی اجبار و الزام نمود.

از آنجایی که معیار صدور احکام‌های حکومتی تشخیص مصلحت از طرف حاکم اسلامی می‌باشد، بنابراین لازم است مفهوم مصلحت مورد بررسی قرار گیرد.

۵-۴-۲. بررسی قاعده مصلحت

مصلحت از نظر وضع و معنا به معنای منفعت دانسته شده است (البوطی، ۱۴۱۲، ۲۷). مصلحت، مصدری است به معنای اصلاح یا مصدر میمی به معنای صلاح دیدن است و در مقابل مفسده به معنای ثواب و شایستگی می‌باشد (قربانزاده، ۱۳۷۹، ۳۳).

قاعده مصلحت عمدتاً به دو صورت مطرح می‌شود:

۱. قاعده مصلحت، به معنای حفظ نظام و حاکمیت اسلام که به صورت حکم حکومتی انجام می‌شود.
۲. قاعده مصلحت، به معنای رعایت مصلحت عمومی و عبور از تنگناها به هنگام دشواری اجرای

یهودیان بنی‌النضیر دستور داد که درختان خرماي آنان نیز قطع شوند.

(ج) نمونه‌هایی از احکام حکومتی در سیره معصومین (س)

۱. دستور به قیمت‌گذاری در عصر خلافت علی (ع): دستورات متعددی در خصوص قیمت‌گذاری از سوی امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر در نهج البلاغه آمده است: «والیکن البیع بیعاً سمحاً بموازين عدل، و اسعار لا تجعف بالفریقین من البائع والمتبائع، فمن قارف هکرة بعد نهیک ایه فنکل به و عابه فی غیر اسراف؛ داد و ستد باید ساده، روشن و مبتنی بر موازين عدالت باشد، قیمت‌ها طوری تعیین شود که بر هیچ یک طرفین، خریدار و فروشنده اجحاف نشود، پس کسی را که از نهی تو احتکار کند به کیفر رساند، به سبب رسوایی او باشد ولی از اندازه تجاوز نکند» (فیض الاسلام اصفهانی، ۱۳۶۸، ن ۵۳).

۲. درباره دستور امام هادی (ع) به کشتن یکی از بدعت‌گذاران به نام فارس بن حاتم نوشتند: «خونش هدر است و من برای قاتل او بهشت را ضمانت می‌کنم.» جنید می‌گوید: «امام هادی به دنبال من فرستاد، فاعرضه علی فاشتریت صیف فارضته علیه فقال رد هذا و اخذ غیره قال فرددت واخذت مکانه ساطوراً فعرضته علیه فقال: هذا نعم؛ حضرت امام هادی (ع) به من فرمود تو را امر می‌کنم به کشتن فارس بن حاتم، پولی به من داد و فرمودند با این پول‌ها سلاحی تهیه کن و او را بر من عرضه بدار. من با آن پول شمشیری خریدم، مورد قبول حضرت واقع نشد، پس ساطوری را تهیه کردم و به حضرت عرضه داشتم، فرمودند این خوب است و بالاخره موفق به کشتن آن فرد شدم.»

(د) نمونه‌هایی از احکام حکومتی در سیره فقها

۱. عده‌ای از فقها درباره روزه ذکر کرده‌اند که: اگر حاکم حکم حکومتی کند. به ثابت شدن دیدن ماه

احکام اولیه که به صورت حکم حکومتی صادر می‌شود.

۵-۴-۲-۱. دیدگاه فقها

پس از تعریف مصلحت، بر فرض اینکه احکام شرعی، تابع مصلحت و مفاسد هستند، باید دید آیا درک فهم عقلی از این مفاسد و مصالح باید داشت؛ به عبارت دیگر هر جا مصلحت لازم‌التحصیل یا مقصد لازم الاجتناب باشد، شرح همان است و حکمش را دریافت کرد و برای مکلف حکم شرع همان است که برای عقل قابل درک است؟

فقهایی که بر عدم امکان فهم احکام شرعی بر فرض وجود مصالح و مفاسد از طریق عقل، معتقدند نمی‌توان عقل را در این راه راهگشا دانست؛ به این‌گونه فقها اخباریین می‌گویند، مجتهدینی مانند محمدامین استرآبادی، شیخ یوسف بحرانی و سید نعمت‌الله جزایری اعتقاد دارند که عقل توان درک مناطات احکام را ندارد (استرآبادی، ۱۴۲۴، ۱۳۰-۱۲۹؛ بحرانی، ۱۳۷۶، ۱۳۱-۱۲۹؛ جزایری، ۱۳۸۸، ۴۷-۴۶).

این دیدگاه، عقیده دارد، عقل ناتوان از درک مناطات احکام می‌باشد. تکلیف کردن مکلفین، ملاحظات دیگری را می‌طلبد که عقل ناتوان از دریافت آنهاست.

فقهای اهل سنت مانند ابواسحاق شاطبی، معتقد است حفظ مصالح و مفاسد اخروی با عقل قابل دریافت نیست اما مصالح و مفاسد دنیوی را می‌توان از طریق مناطات شرعی به دست آورد. آنان با توسل به آیه «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا؛ و ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم» (شاطبی، ۱۴۱۵، ۳۸).

در رد استدلال به آیه شریفه، باید گفت مدلول آیه، نفی عذاب پیش از فرستادن رسول خدا (ص) است ولی وقتی رسول خدا (ص) آمد و عقل را حجت و توانا برای ادراک ملاکات مصالح و مفاسد احکام قرار داد، دیگر عدم عمل به ادراک عقل توجیه شرعی نخواهد داشت و روایاتی که بر عدم تبعیت از عقل حکم می‌کند باید حمل بر تبعیت از عقول ناقصه کرد، زیرا روایات متعارضی وجود دارد که بر تبعیت از عقل حکم می‌کند (انصاری، ۱۳۹۳، ۳۰).

سوالی که در این قسمت قابل طرح است عبارت است از: آیا مصالح و مفاسد در احکام برای مکلفین مفاسد و مصالح، نوعی است یا فردی؟ مرحوم نائینی در کتاب فرائدالاصول معتقد است که: «قالب فقها اعتقاد دارند که احکام تابع مصالح و مفاسد نوعی هستند، چرا که این نوع واجبات را واجبات نظامیه هستند یعنی در حفظ نظام اجتماعی به کار گرفته می‌شوند» (نائینی، ۱۳۷۶، ۲۲۸).

الف) قاعده مصلحت از دیدگاه فقهای شیعه فقیهان امامیه معتقدند براساس مصالح ضروری و قطعی می‌توان فتوا صادر کرد. برخی از آنان ابراز می‌دارند با دقت در معنای مصالح مرسله، می‌توان تصدیق نمود که نظریه مصالح مرسله با مبانی فقه شیعه سازگاری دارد؛ زیرا منظور از آن، استفاده حاکم اسلامی در ضروریات و تنگناهای جامعه تحت نظارت اوست (نیکزاد، ۱۳۸۵، ۱۵۵).

وجود مصلحت باید با یقین و اطمینان ثابت شود و نباید با احکام شرعی مخالفتی داشته باشد. در فقه شیعه موارد زیادی از کلمه مصلحت استفاده شده است اما در اصول فقه سخنی از مصلحت به میان نیامده است و در مورد فقه الحکومه بحث شده است. فقه الحکومه هم مجموعه احکام و قوانینی است که برای اداره جامعه توسط حاکم اسلامی

وضع می‌شود که به آن حکم حکومتی گفته می‌شود.

ب) قاعده مصلحت از دیدگاه فقهای اهل تسنن فقهای اهل سنت، مصالح مرسله را حجت و معتبر می‌دانند و به آن به عنوان یکی از منابع مستقل می‌نگرند و حتی در بهره‌گیری از قاعده مصلحت، راه افراط را پیموده‌اند و مصالح مبتنی بر ظن و گمان را نیز در باب استنباط احکام به کار می‌گیرند (کلانتری، ۱۳۷۶، ۸۲).

در فقه عامه، مصالح مرسله، منافعی هستند که داخل در اهداف شارع است بدون آنکه شاهدی از شرع در تأیید یا رد آن باشد. استصلاح نیز به معنای صدور حکم شرعی بر مبنای مصالح مرسله است.

۵-۴-۲. شرایط استفاده از قاعده مصلحت

۱. اندراج مصلحت در اهداف شرع: شارع هدف از خلقت را حفظ دین، جان، مال، عقل و عرض می‌داند.

۲. عدم تعارض مصلحت با قرآن کریم: مصالحی که با کتاب خدا تعارض دارند، دو گونه‌اند: مصالح موهومی که با نص قاطع کتاب تعارض دارد و مصالح مستندی که به اصل شرعی مربوط هستند، اصلی که خود مبنای بیان و صدور حکم است.

۳. عدم تعارض مصلحت با سنت نبوی: منظور از سنت، قول، فعل یا تقریر معصوم است. تکیه بر مصلحت نباید با این سه مخالفت داشته باشد، در این صورت ملاک عمل نخواهد بود (البوطی، ۱۴۱۲، ۷۴).

۴. عدم فوت مصلحتی مهمتر یا مساوی آن: استفاده از مصلحت نباید تعارضی با اصل مقدم داشتن اهم بر مهم یا گردن نهادن به مفسده کوچکتر به منظور اجتناب از مفسده بزرگتر داشته

باشد، در غیر این صورت معیارهای ترجیحی مقدم می‌شود (صرامی، ۱۳۸۲، ۵۶).

۵. ضروری بودن مصلحت: در هنگام تزامن بین احکام اولیه و ضرورت مصلحت در برون‌رفت در عسر و حرج می‌باشد. مبنای مصلحت اندیشی حکومت اسلامی بر مبنای استفاده قاعده مصلحت در ضروریات می‌باشد؛ لذا، در مواقع عادی و امکان استفاده از احکام اولیه، استفاده از قاعده مصلحت و جاهت شرعی ندارد (صرامی، ۱۳۸۲، ۵۶).

۶. موقتی بودن احکام حکومتی مبتنی بر مصلحت: صدور احکام حکومتی مبتنی بر ضرورت و مصلحتی است که حاکم اسلامی تشخیص می‌دهد؛ و موقتی و تغییرپذیر هستند. شهید صدر برای بیان تبیین حوزه جعل احکام برای حاکم اسلامی تعبیر (منطقه الفراغ) دارد. او در مباحث اقتصادی اسلامی می‌نویسد: «از آنجایی که قانونگذاری در نظام اسلامی بر ولی امر واگذار شده است؛ براساس اهداف کلی، اقتصادی و به اقتضای زمان به جعل احکام نیاز دارد، زیرا علاوه بر وضع احکام اولیه، احکام حکومتی نیز لازم است. جعل احکام از ناحیه پیامبر از باب ولایت امری بوده نه از باب نبوت لذا ولی امر نیز می‌تواند به جعل احکام حکومتی و اقتصادی بپردازد (صدر، ۱۴۰۳، ج ۹، ۳۷۹-۳۸۷).

در برخی از مواقع عدم تشخیص مصلحت در ضروریات می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری را به جامعه اسلامی وارد سازد و از سوی دیگر تشخیص مصلحت حتی ممکن است حجتی را تعطیل کند که به ضرر مسلمین است و این تشخیص برعهده حاکم اسلامی است.

۵-۴-۲-۳. مهمترین مصادق مصلحت در

قانون اساسی

الف) مصلحت در حفظ نظم عمومی

در قانون اساسی به طور عام و به طور خاص، به حفظ نظم عمومی ارزش و اهمیت بسیاری داده شده است و از مهمترین مصالحی است که باید توسط مسئولین و آحاد ملت رعایت گردد؛ زیرا هرگونه بی‌نظمی باعث اختلال نظام اسلامی و موجب عسر و حرج عمومی می‌گردد. تأمین نظام معیشتی عمومی و رفاهی برای مردم از وظایف دولت اسلامی شمره شده است (بند ۱۳ اصل ۳ قانون اساسی).

ب) مصلحت در حفظ بنیان اسلام

حفظ کیان و پاسداری از مرز و بوم کشور اسلامی از تاخت و تاز دشمنان و متجاوزان از اهم مسائل نظام دینی است. صاحب جواهر در این باره نوشته است: «هرگاه کفار به دنبال نابودی اسلام و از بین بردن شعائر آن باشند، جهاد در این هنگام واجب است؛ حتی در زمان حاکم جائر» (پناهی بروجردی، ۱۳۸۹، ۹۵).

تقویت کامل بنیه دفاعی و ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی نیز در بند ۱۱ اصل ۳ قانون اساسی اشاره گردیده است.

ج) مصلحت از حفظ امنیت کشور

مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف غاصبانه در جان، مال، ارث، آبرو، حیثیت و حفاظت از تمامیت ارضی، رفاه اجتماعی و هویت فرهنگی و امور نظامی در بُعد اجتماعی است. بی‌تردید توسعه و پیشرفت جامعه در سایه امنیت و آرامش فردی و اجتماعی و ملی میسر است (اصل ۹ و ۲۰ قانون اساسی).

د) مصلحت نظام در وحدت جامعه

منظور از وحدت آحاد ملت، حفظ پیوستگی بیرونی و اصول مشترکات معین، در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی می‌باشد. در جامعه اسلامی این پیوستگی حول محور الهی صورت گرفته است و از مصالح مهم در آیات قرآن و قانون اساسی است. در قرآن کریم، سوره آل عمران آیه ۱۰۳ اشاره به وحدت مسلمین داشته و در اصل ۱۱ قانون اساسی مسلمانان را امت واحده نامیده است و دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف نموده است تا سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و به وحدت سیاسی و اجتماعی تحقق بخشد.

ه) مصلحت در حل معضلات نظام

مشکلاتی که نظام از طریق عادی نمی‌تواند حل کند، بند ۸ ماده ۱۱۰ قانون اساسی ارجاع مشکلات نظام را توسط رهبری به مجمعی که مجمع تشخیص مصلحت نظام نام دارد، حل کند را توضیح می‌دهد که حاکم اسلامی با رعایت مصلحت و غبطه مسلمین با مشورت مجمع تشخیص مصلحت نظام در حل مشکلات و برون‌رفت از آن تصمیم‌گیری می‌کند.

۶. نتیجه

مسئله حجاب یکی از آموزه‌های اسلامی مورد تأکید آیات و روایات معصومین و فقهای عظام است. امروزه با گسترش شبیخون فرهنگی غرب علیه جوامع مسلمان، به نظر می‌رسد، رعایت پوشش اسلامی از اهمیت دوچندانی برخوردار است. براساس مبانی مشروعیت الزام بر احکام الهی، حکومت اسلامی با دخالت بر این مسئله می‌تواند تمامی اقشار مسلمان را بر این امر الزام نماید اما با ورود عناوین ثانویه از جمله برخورد با بی‌حجابی

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

اقلیت‌های مذهبی و دینی مسئله با پیچیدگی و چالش رو به رو است. موضوع عدم رعایت پوشش گردشگران خارجی که از اماکن تاریخی و باستانی ایران بازدید می‌نمایند برای مؤمنین موجب ناراحتی شده است. از سوی دیگر با توجه به صنعت گردشگری که می‌تواند برای کشور ارزآوری و موجب تقویت بنیه اقتصادی نظام اسلامی گردد؛ حکومت دینی نمی‌تواند از آن چشم‌پوشد و همچنین براساس احکام اولیه اسلامی هم نمی‌توان آنان را به رعایت پوشش الزام کرد. برای برون‌رفت از این معضل باید راهکار صدور احکام حکومتی از ناحیه حاکم اسلامی با رعایت مصلحت و غبطه عمومی متوسل شد. حاکم اسلامی باید با توسل به مبانی فقهی و قوه‌مدبرانه خود گردشگران و مأمورین خارجی شاغل در ایران را به رعایت پوشش الزام نماید؛ بنابراین با توجه به اینکه حاکم اسلامی با برداشتی که از مقتضیات زمان و مکان و روح حاکم بر اهتمامات شارع در احکام، مصلحت را تشخیص می‌دهد و لازم است که بر طبق آن عمل کند و این حق مستند به قاعده مسأل‌ه‌حفظ نظام است.

منابع

قرآن کریم

منابع فارسی

- فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، نهج البلاغه، چاپ دوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات فقیه، ۱۳۶۸.
- قربانزاده، قربانعلی، «مبانی مصلحت عمومی در اندیشه امام خمینی(ره)»، رساله دکتری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- کلانتری، علی اکبر، فقه و پویش بانوان، چاپ دوم، قم، انتشارات کتاب، ۱۳۷۶.
- موسوی خمینی، روح اله، احکام حکومتی و مصلحت، جلد پنجم، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۸۳.
- موسوی خمینی، سید روح الله، الرسائل، چاپ دوم، قم، نشر اسماعیلیان، ۱۳۸۵.
- نیکزاد، عباس، «جایگاه مصلحت در بستر قانونگذاری حکومت اسلامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره سی و سه، ۱۳۸۵.
- پناهی بروجردی، زهرا، «قاعده مصلحت و عدالت و رابطه آنها در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد احمد طباطبایی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- حسن پور، شهرام، «مفهوم مصلحت و جایگاه آن در قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران»، نشریه دین و ارتباطات شماره هشت، ۱۳۷۷.
- سنجری، ابراهیم، «حقوق بیگانگان در حقوق بین الملل و اسلام»، فصلنامه گفتمان حقوقی، شماره هفده و هجده، ۱۳۸۹.
- صرامی، سیف الله، منابع قانونگذاری در حکومت اسلامی، چاپ اول، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- ضرغام بروجنی، حمید؛ خسروانی دهکردی افروز، «اثرات توسعه گردشگری بر شاخص های صلح جهانی»، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، شماره نوزده، ۱۳۹۱.
- طباطبایی، محمد حسین، بررسی های اسلامی، جلد اول، چاپ دوم، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
- فلاح تفتی، فاطمه، «پژوهشی فقهی - حقوقی در الزام حکومتی بر حجاب زنان جهانگرد»، نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره دو، ۱۳۹۶.
- ابن ادریس، محمد ابن منصور ابن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی جلد سوم، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰.
- استرآبادی، محمد امین، الفوائد المدنیه، چاپ اول، قم، دارالنشر اهل البيت (ع)، ۱۴۲۴.
- انصاری، شیخ مرتضی، البیع المکاسب، چاپ دوم، قم، آیین محمود، ۱۳۹۳.
- بحرانی، یوسف، الحدائق الناظره، چاپ سوم، نجف، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶.

منابع عربی

- البوطی، رمضان محمدسعید، ضوابط المصلحة فی الشریعه الاسلامیه، الطبعة السادسة، لبنان، مؤسسه الرساله / دارالمتحد، ۱۴۱۲.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، جلد نهم و چهاردهم، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳.
- جزایری، نعمت الله، زهر النبی، چاپ اول، بیروت، دارالجنان، ۱۳۸۸.
- شاطبی، ابو اسحاق، الموافقات فی اصول الشرعیه، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵.
- صدر، محمد باقر، الدروس فی علم الاصول الحلقه الاولی، چاپ دوم، قم، نشر اسماعیلیان، ۱۴۰۳.
- صدر، محمد باقر، الفتاوی الواضحه، جلد نهم، چاپ ششم، بیروت، دارالمعارف المطبوعات، ۱۴۰۳.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، جلد هشتم، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۸۷.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ سوم، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۰.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، جلد اول، چاپ اول، تهران، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۹۸.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، جلد سوم، چاپ چهارم، نجف، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۳.
- فخرالمحققین، محمد ابن حسن ابن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، جلد چهارم، چاپ سوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷.
- قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، جلد دوم، چاپ سوم، قم، دار الاسوه، ۱۳۴۴.
- کلینی، ابو جعفر محمد ابن یعقوب، الکافی، جلد چهاردهم، چاپ دوم، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر ابن حسن، المخصر النافع فی فقه الامامیه، جلد دوم، چاپ نهم، قم، مؤسسه المطبوعات الدینیّه، ۱۴۰۸.
- مراغی، سید میر عبدالفتاح، العناوین الفقهیّه، جلد دوم، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعه، چاپ سوم، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
- منتظری، حسینعلی، نظام الحکم فی الاسلام، چاپ دوم، قم، نشر سرایی، ۱۴۱۷.
- موسوی خویی، ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، چاپ سوم، قم، مؤسسه احیاء آلائر الامام الخویی، ۱۴۲۲.
- موسوی گلپایگانی، محمدرضا، الدر المنضود فی احکام الحدود، جلد دوم، چاپ سوم، قم، الدارالقران الکریم، ۱۴۱۲.
- نائینی، محمد حسین، فرائد الاصول، چاپ سوم، قم، مکتبه المصطفوی، ۱۳۷۶.

- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد دوم- بیست و دوم و چهلم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد شانزدهم، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴.

Government Requirement of Hijab for Tourists and Foreign Officials Working in Iran With Emphasis on Expediency Rule

Majid Nili¹, Mohammad Javad Baghizadeh^{2*}, Behnam Yousefian Shourdehi³

1. Ph.D Student of Jurisprudence and Criminal Law, Faculty of Theology, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Theology, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Criminal Law, Faculty of Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:151-170

Article history:

Received: 13 Apr 2020

Edition: 10 Jul 2020

Accepted: 30 Aug 2020

Published online: 19 Mar 2021

Keywords:

Tourists, Foreign Officials, Government Decrees, Expediency, International Agreements.

Corresponding Author:

Mohammad Javad Baghizadeh

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Theology and Political Sciences.

Orchid Code:

0000-0002-5282-9465

Tel:

09102042038

Email:

baqizadeh@gmail.com

ABSTRACT

Background and purpose: Maintaining cover is one of the concerns of the Islamic Republic of Iran. In this regard, the issue of the hijab of tourists and diplomats and foreign political agents in Iran is one of the challenging issues that needs to be investigated. Based on this, the purpose of this article is to examine the governmental requirement of hijab for tourists and foreign officials working in Iran, emphasizing the rule of expediency.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used to collect materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: The findings showed that Enjoining what is good and forbidding what is evil, the evidences regarding the effect of the requirements of time and place on the sanctity of pretending to be evil can be considered as a jurisprudential basis for the obligation of non-Muslims, both residents and tourists, and it represents the responsibility of the Islamic State .

Conclusion: The result is that the Islamic ruler, taking into account the real benefits and dangers taken from the verses, traditions and jurisprudential sources, can prevent the dangers of the spread of veiling by tourists and foreign officials working in Iran with a rational understanding and using the rule of expediency. to issue a government order and oblige them to wear Islamic clothing

Cite this article as:

Nili M, Baghizadeh MJ, Yousefian Shourdehi B. *Government Requirement of Hijab for Tourists and Foreign Officials Working in Iran With Emphasis on Expediency Rule.* Economic Jurisprudence Studies. 2024.

